

غار اسپهبد خورشید

(فریاد سکوت غار اسپهبد خورشید)

احمد باوند سوادکوهی

www.ketab.ir

سرشناسه	: باوند سوادکوهی، احمد، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: غار اسپهبد خورشید: (فریاد سکوت غار اسپهبد خورشید) / احمد باوند سوادکوهی.
منشخصات نشر	: تهران: رسانش نوین، ۱۳۹۲.
منشخصات ظاهری	: ۱۳۰ص:، مصر.
شابک	: 978-600-6826-51-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
پاداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: فریاد سکوت غار اسپهبد خورشید.
موضوع	: غارها -- ایران -- سوادکوه
موضوع	: غار اسپهبد خورشید
موضوع	: سوادکوه
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۲۳/۲و/۹۵-DSRT
رده بندی دهی	: ۹۵۵/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۵۹۰۹۹



بهار شمالی شبکه: شیرازی، پلاک ۷، واحد ۲.
 تلفن: ۰۲۱ ۹۱ ۳۱ ۱۳۰ ۹۱۲۴ - تلفکس: ۷۷۵۲۰۵۲۶ rasanesh.pub@gmail.com

غار اسپهبد خورشید

(فریاد سکوت غار اسپهبد خورشید)

احمد باوند سوادکوهی

ویرایش: نعمت الله کاظمی فرامرزی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد

حروف‌نگاری: حکمت رایانه

لیتوگرافی: فیلم‌گرافیک

چاپ: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۶ - ۵۱ - ۶۸۲۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ نخست این کتاب با حمایت مهندس مسعود ضیایی مدیر شرکت اسپهبد خورشید منتشر شده است.

قیمت ۵۵۰۰ تومان

فهرست

- ۷ پیش‌گفتار
- ۱۳ موقعیت جغرافیایی و زیست محیطی سوادکوه
- ۱۶ جغرافیای تاریخی سوادکوه
- ۲۲ پیشینه تاریخی سوادکوه در باور عامه
- ۲۴ نگاهی به غارهای سوادکوه
- ۳۵ اسپهبد خورشید از نگاه باستان‌شناختی
- ۴۰ در جست‌وجوی کشف روایت مبهم دژ اسپهبد خورشید
- ۴۵ مختصری از تاریخ تبرستان
- ۴۹ سلسله‌های محلی تبرستان تا زمان تسلط اعراب
- ۵۲ سرگذشت باو
- ۵۷ ورود سپاه عرب به تبرستان
- ۵۹ سرگذشت اسپهبد خورشید
- ۶۲ ونداد رمز که بود؟
- ۶۵ ماجرای عصیان خلیفه بر اسپهبد خورشید و انقراض سلسله کیل گاوپاره
- ۶۹ کشف روایت مبهم دژ اسپهبد خورشید
- ۷۶ اسپهبد خورشید به روایت نوربخش چهارماده
- پیوست‌ها**
- ۸۳ دژ عظیم و تسخیر ناپذیر اسپهبد خورشید گشوده شد
- ۹۶ گزارش نخستین همایش معرفی و شناخت غار قلعه اسپهبد خورشید
- ۱۰۰ سخن آخر
- ۱۰۹ اسپهبد خورشید در آئینه سفرنامه‌ها و مطبوعات
- ۱۱۹ کتاب‌شناسی

کهکشان خواندم به قلم توانای دکتر «نوربخش رحیمزاده»^۱، ایشان طی بازدیدی که از غار اسپهبد خورشید داشتند، به سفارش و راهنمایی استادش زنده یاد پرفسور «آریا پارت شروین باوند»^۲ و با تحقیقات میدانی مقاله‌ای به نام «راز دژ اسپهبد خورشید» درباره «غار اسپهبد خورشید» نوشتند. مقاله مذکور در نوع خود جالب و درخور تأمل بود هر چند قلم و نوع نگاه «رحیمزاده» با روایت «شیخلی» فرق داشت. - اختلاف روایت «شیخلی» و «رحیمزاده» که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد- همراه با روایت مبهم تاریخ درباره این دژ که بزرگ‌ترین طاق طبیعی دنیا را در خود دارد، نگارنده را در آن داشت تا پس از گذشت پنج سال از برگزاری نخستین همایش شناخت و معرفی «غار قلعه اسپهبد خورشید» که در روز خورشید - ۳۱ خرداد سال ۱۳۸۷- در پای این غار برگزار شد، به جست‌وجوی روایت مبهم دژ اسپهبد خورشید بپردازم و غروب ۱۲۰۰ ساله آن را برای فرهنگ دوستان ایران زمین طلوعی دیگر ببخشم و اعلام دارم اسپهبد خورشید بیروز است!

هر ایرانی آشنا با تاریخ اگر از نزدیک این غار را ببیند به یقین صدای «اسپهبد خورشید» را خواهد شنید که می‌گوید: این روزگار نیست!

بر ما گذشت نیک و بد، اما تو روزگار

فکری به حال خویش کن، این روزگار نیست!

«عماد خراسانی»

۱. استاد نوربخش رحیمزاده، استاد تاریخ و فلسفه دانشگاه شیراز، ایشان مقالات پژوهشی در ماهنامه کهکشان و وهومن به چاپ رسید. ایشان از جمله شاگردان پرفسور باوند بودند که بعد از بازنستگی استاد ارتباط خود را با ایشان حفظ کرد.

۲. پرفسور شروین آریاپارت باوند، متولد سال (۱۲۸۰هـ) در سال ۱۹۲۷م وارد دانشگاه لنینگراد روسیه شد و در رشته‌های تاریخ، نژاد شناسی، فلسفه و زبان شناسی مدرک دکترا گرفت و در دانشگاه لنینگراد استاد کرسی تاریخ شد. در دانشگاه انستیتوسی شرق لنینگراد و دانشگاه جنگ مسکو به تدریس زبان فارسی پرداخت. در سال ۱۹۴۶م به وطن بازگشت و در دانشگاه‌های جنگ، شیراز، تبریز و مشهد به تدریس پرداخت. دارای آثار: ۱. کره در سربلج تاریخ، ۲. دورنمای کنفرانس مالت، ۳. کنفرانس آریاپارت در انجمن فرهنگ ایران باستان، ۴. پارسی و رستاخیز ۵. گریزی به بیوگرافی و تشکیلات در گرد درفش ۶. مصاحبه آریاپارت با روزنامه اطلاعات و ... می‌باشند. ایشان سرانجام در ۱۳۷۲/۶/۱۲ در ارژنگ پارک سرخ آباد پرده در نقاب خاک کشید. آرامگاهش در روستای «زیارت‌سر» سرخ آباد می‌باشد.

پیش گفتار

هرگاه به مناسبت‌های مختلف (کوه‌نوردی، تحقیق و پژوهش و حوزه کاری) نگاهیم به طاق غار اسپهبد خورشید می‌افتاد و داستان غروب آن را از زبان راویان تاریخ شفاهی (مردم منطقه) می‌شنیدم و در برخی موارد در آثار تاریخ‌نگاران و پژوهشگران گذشته و حال از نظر می‌گذراندم - هر چند تاریخ ما در برابر آن بیش‌تر سکوت اختیار کرده و درباره‌اش داد انصاف نداده است - در آروزی زردن غبار قرن‌ها از چهره آن بودم تا سکوت پر از فریادش را بشکنم.

در اواخر سال‌های دبیرستان از سر کنجکاوی به مطالبی در مورد غار اسپهبد خورشید به قلم آقای «چنگیز شیخلی»^۱، در مجله شکار و طبیعت سال ۱۳۴۲ برخوردیم. آن را تورق کردم. مطالب و نام نویسنده آن، که به اشتباه «شیخعلی» تلفظش می‌کردم، همیشه در نظرم بود. تا این‌که در سال ۱۳۷۲ مقاله‌ای در ماهنامه

۱. متولد سال ۱۳۰۶ مشهد، دیپلم ادبی سال ۱۳۳۱، باستان‌شناسی مکاتبه‌ای از کمبریج، از سن ۱۲ سالگی کوه‌نوردی را در مشهد از کوه سنگی شروع کرد. اولین صعود وی، قلّه کلکچال در سال ۱۳۲۴ بود. مؤسس هیئت غارشناسان ایران در سال ۱۳۲۵، رئیس کمیته غارشناسی فدراسیون کوه‌نوردی، ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۲. شناسایی بیش از ۱۰۰۰ غار در کشور، تهیه بیش از ۱۰۰۰ نقشه علمی از غارهای ایران، صاحب نظر مسلم در زمینه غارشناسی ایران و جهان، مقالات متعددی در زمینه غارشناسی و اکتشافات غارشناسی از او در جراید کشور چاپ شد. مهم‌ترین اثر او کتاب ۱۶ جلدی فرهنگ غار شناسی ایران است که به علت هزینه بالای نشر هنوز چاپ نشد. امید است مسئولین به این مورد توجه بیش‌تری داشته باشند.

مراعات و عدم حفاظت کافی از آن‌ها در بیست سال دیگر از یک طرف سیل افراد الکی خوش و لاپالی، که هر هفته عازم شمال خواهند شد بقیه زیبایی‌های طبیعت را نابود خواهند ساخت و از طرف دیگر سودجویانی که از همان قماش هستند طبیعت را غارت خواهند کرد و در آن صورت همه این زیبایی‌هایی که هم اکنون نیز در معرض خطر است از دست خواهد رفت. با ساعتی نظاره ورودی غار و اطراف آن گمان می‌کنم روزی به جای غار اسپهبد خورشید و خاطره تاریخی آن باید در پی کشف غار «استوا شمس» باشیم.

بیشه کی داند که این باغ از کی است
 کو بهاران زاد و مرگش در دی است
 گرم کند چوب زاید سست حال
 کی بداند چوب را وقت نهال

نگارنده برای این که شرمسار تاریخ و نسل آینده نشود، از هر دری وارد شده است تا روند تخریب و خطراتی که این غار را تهدید می‌کند و خطر برافتادن آن را در آینده‌ای نه چندان دور از نقشه جغرافیای ایران به گوش مسئولین برساند. اما به مصداق این شعر که می‌گویند:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
 آن چه البته به جایی نرسد فریاد است

هر چند این سکوت پر از فریاد «اسپهبد خورشید» را در این چند سال اخیر با برگزاری نخستین همایش معرفی و شناخت غار قلعه اسپهبد خورشید^۱ شکلی دیگر

۱. نخستین اقدام جدی در خصوص جلوگیری از تخریب غار قلعه اسپهبد خورشید در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۳۱ با برگزاری نخستین همایش معرفی و شناخت غار قلعه اسپهبد در پای غار صورت گرفته است. همکاران در این همایش به عنوان مدیر طرح و برنامه انجام وظیفه نمود. در کنار آن نامه‌نگاری‌های متعددی به مدیران میراث فرهنگی استان مازندران شد و حتی در یک مورد مدیرکل وقت میراث فرهنگی مازندران آقای دکتر عباس‌نژاد و آقای غلامعلی پارسایی مسئول وقت بازرسی و شکایات سازمان میراث فرهنگی مازندران به اتفاق نگارنده بازدید از غار داشتند. همچنین توانسته است گزارشگران صدا و سیما استان مازندران را برای پوشش خبری در خصوص معرفی و تخریب غار به پای غار بکشاند. در کنار موارد ذکر شده مقاله‌ای هم در خصوص روند تخریب غار اسپهبد خورشید در روزنامه همشهری ضمیمه مازندران ۹۱/۶/۱ شماره ۵۷۶۶ به چاپ برساند.

کدام عقل سلیم می‌پذیرد که انسان با میراث سرزمین خود این‌گونه برخورد کند. سکوت ۱۳۰۰ ساله تاریخ در برابر عظمتش بس نبود! چرا مانند کبک سر در برف فرو برده‌ایم و نمی‌بینیم چه بر سر این غار آوردیم. ریشه این نابخردی را در کجا باید جست؟ انسانی را که برای منافع خود دست به تخریب محیط زیست می‌زند و در پی نابود کردن میراث تاریخی سرزمین خود است، آیا می‌توان انسان نامید؟ مسئولین میراث فرهنگی و محیط زیست کجا باید تا ببینند چه بر سر این غار آمده است! چه پاسخی در برابر نسل آینده خواهند داشت؟ خطر روند تخریب این غار را استاد دانشمند دکتر «مهدی نوری»^۱ در طی بازدیدی که در سال ۱۳۵۶ از این غار داشتند با چاپ مقاله‌ای با عنوان «اسپهید خورشید یا استوار شمس» در مجله "New Afrique" بیان داشتند:..... پس از رسیدن به ورسک برای عکس‌برداری از پل ورسک توقف کردیم. در آن جا شنیدیم که چند کوه‌نورد عازم غار اسپهید خورشید در منطقه دوآب سوادکوه هستند. ما هم تصمیم گرفتیم قبل از رفتن به لاجیم ابتدا از بیرون غار مذکور را دیدن کنیم و پس از چادر زدن و ماندن شب در آن حدود، روز بعد به لاجیم برویم. با دیدار از دوآب و منطقه‌ای که غار «اسپهید خورشید» در آن واقع است این سؤال برایم مطرح شد که آیا ما پدیده‌های مولد طبیعت را نابود نمی‌کنیم و با بهره‌برداری غلط و امحای جنگل‌ها و مراتع، این میراث عظیم طبیعت به فرزندانمان می‌رسد؟ در واقع با روند افزایش جمعیت و از بین بردن جنگل‌ها و

۱. دکتر نوری، متخصص ژنتیک است و مطالعات فوق تخصصی خود را در رشته سیتوژنتیک انجام داده است. بعلاوه در رشته‌های روان‌شناسی ژنتیک و ان‌ال‌پی* نیز مطالعات علمی عمیق دارد و همه این موارد را در دانشگاه تدریس کرده است. او علاوه بر تدریس در دانشگاه کتاب‌های متعددی در زمینه ژنتیک، بیماری‌های ارثی و روان‌شناسی تألیف نموده، که کتاب‌های «رشد و تکامل شخصیت»، «روش‌های پیش‌گیری از سرطان»، «خود شکوفایی و آرامش» و کتاب «گلبانگ سربلندی» او با استقبال فراوانی رو به رو شده‌است. دکتر نوری با تألیف بیش از بیست جلد کتاب دانشگاهی و صدها مقاله علمی و سردبیری و ویراستاری نشریات دانشگاهی نقش مهمی در امر آموزش و فرهنگ کشور داشته و دارد.

*Neuro-Linguistic Programing (NLP)

یک‌جا در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد تا مرجعی برای پژوهش‌های بعدی باشد. به مصداق این بیت:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

نگارنده برای سامان دادن پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی در قلمرو سوادکوه بنیاد پژوهش‌های فرهنگ و تاریخ سوادکوه را پی‌ریزی نموده است و برای گسترش فعالیت‌ها چشم باری به همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به این عرصه دارد. انتشار این کتاب به عنوان آغاز فعالیت‌های این بنیاد تقدیم به همه کسانی می‌شود که به میراث فرهنگی-تاریخی و محیط زیست سرزمین مان ارج می‌نهند.

در پایان این بخش جا دارد تشکر کنم از: آقای «شیخ‌لی» پیشکسوت غارشناسی ایران برای در اختیار قرار دادن برخی مطالب و عکس، آقای «کاظمی» به خاطر ویرایش کتاب، آقای «ابوالحسن سلیمانی تپه‌سری» برای بازخوانی کامل اثر و طرح نظرهای اصلاحی، دکتر «علی‌رضایی» کارشناسی تاریخی، مهندس «علی‌اصغر نظری پورکیایی» کارشناس فنی غار، سرکار خانم «فاطمه جوادی» به خاطر بازبینی نهایی. هم‌چنین دوست خوب و نیک اندیشم، جناب آقای «رستمی»، مدیر شرکت حکمت رایانه به خاطر حروف‌نگاری اثر، خانم «لیلا احمدی کمرپشتی» به خاطر آوانگاری کتاب، مهندس «مسعود ضیایی» مدیر شرکت «اسپهید خورشید» برای همیاری در چاپ اثر و آقای «حسن علی نژاد قمی» مدیر انتشارات «رسانش نوین» برای همکاری و دقت نظر در چاپ اثر.

به امید زیست سرافراز

احمد باوند سوادکوهی

Terez12345@yahoo.com

بهار ۱۳۹۲

بخشیدم. هرچند به اصطلاح تیغ ما برش نداشت اما توانستم تا حدودی افکار عمومی را به سمت غار «اسپهبد خورشید» سوق دهم. باشد از آن میانه یکی کارگر شود. غاری که عظمت و شکوه و معماری سازه‌های داخلی آن هر بیننده را محسوس خود می‌کند چه شد که این بلا امروز بر سرش آمده است. نگارنده سعی کرده است در این کتاب به سرگذشت و کشف روایت دژ اسپهبد خورشید بپردازد و اعلام کند که تخریب میراث فرهنگی در هر سرزمینی گناهی نابخشودنی است.

لازم به ذکر است نه نگارنده کاشف روایت مبهم دژ اسپهبد خورشید هستم و نه کسانی که ادعا می‌کنند برای اولین بار در قرن اخیر وارد این غار شدند، کاشفین اولیه آن هستند. چرا که این غار نخستین بار توسط مهندسین ایرانی و خارجی راه‌آهن شمال در دورهٔ پهلوی اول شناسایی شد و بعد در تیر ماه سال ۱۳۲۹ هـ.ش. توسط آقای «امیرحسین امیر فیض» و گروهش کشف فنی شد. بعد از این که ۴۵ گروه مختلف کوه‌نوردی و غارنوردی حداقل با ۳۵۰ نفر در طی ۱۲ سال در صعود به آن ناکام ماندند، سرانجام در خرداد ۱۳۴۱ توسط «بهمن بوستان»، «چنگیز شیخلی»، «عباس حاجی باشی» و «اکبر شفیع‌زاده» فتح آن ممکن شد. امروز کسی نمی‌تواند به تنهایی ادعا کند من کاشف این غار هستم اگر گفته «هونت» کاشف اورست را به خاطر داشته باشد. «هونت» وقتی از اورست برگشت، گفت:

«ما پیروزی خود را فقط مدیون اکیپ‌ها و کاروان‌های گذشته هستیم، چه، استفاده از تجربیات و اطلاعات گران‌بهای آن‌ها بود که ما توانستیم به قلعهٔ اورست پای نهیم». (کیهان ورزشی، ۱۳۴۰: ۳۰۲).

به قول صائب تبریزی: «نقش پای رفتگان هموار سازد راه را». باید یادآور شوم این مجموعه تلاشی است برای تبیین چهرهٔ تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی غار «اسپهبد خورشید» و نیز رنجامهٔ دوستداران میراث فرهنگی و طبیعی سوادکوه هست که از قلم نگارنده جاری شده است. نگارنده ادعای پژوهشگری در خصوص این غار ندارد. هدف این است که مجموعه مقاله‌هایی تاریخی و پژوهشی که تا کنون دربارهٔ غار «اسپهبد خورشید» نگاشته شده است